



نشریه علمی علم و تمدن در اسلام

سال چهارم / شماره شانزدهم / تابستان ۱۴۰۲

doi: 10.22034/icrs.2023.164852

فرهنگ و تمدن اسلامی در نگاه استاد شهید مرتضی مطهری (با تأکید بر نظام سازی فرهنگی)

پریسا افقری^۱، اصغر منتظرالقائم^۲

(۱۱۵-۱۰۴)

چکیده

استاد شهید مطهری (۱۳۵۹ ش) یکی از اندیشمندان و حکمای شیعه، در حوزه اندیشه اصلاحی، احیای اسلام و تمدن سازی نوین اسلامی به شمار می‌رود. وی در حوزه‌های مختلف فرهنگ و تمدن اسلامی، نظریه‌های گوناگونی دارد که در این پژوهش به آن پرداخته خواهد شد. مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال است که اصول استاد مطهری در نگاه به فرهنگ و تمدن اسلامی بر چه محورهایی استوار است و این مسئله مهم چه نسبتی با نظام سازی فرهنگی دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که استاد مطهری به ساخت نظام فرهنگی، تعلیم و تربیت و توانمند سازی و تقویت بنیه فکری مسلمانان با نگارش آثار گوناگون علمی و طرح اندیشه اسلامی تأکید داشت. از دیدگاه این اندیشمند هر نهضت اجتماعی در خطر رو در رویی با آفاتی همچون: نفوذ اندیشه بیگانه، تجدد گرایی افراطی، تداوم نهضت، نفوذ فرصت طلبان، ابهام در طرح‌های آینده و تغییر جهت دادن اندیشه می‌باشد. وی معتقد بود با شناخت آسیب‌های فرهنگی و عوامل مؤثر در این مسیر، برای ایجاد تحول فرهنگی، راهبردهای متعدد فرهنگی ضروری است. ایشان شناخت دقیق اجزای فرهنگ و تمدن اسلامی را در راستای برقراری نظام فرهنگی مطلوب قلمداد می‌کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: شهید مطهری، فرهنگ، تمدن اسلامی، اندیشه تمدن ساز اسلامی.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

parisa.afghari@yahoo.com

۲. استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)

montazer@ltr.ui.ac.ir

مقدمه

تمدن از مدن و مدینه و به معنای مدنیت است. معانی متعددی از تمدن مطرح شده است: مجموعه کارکردهای مادی (همچون اقتصاد) را تمدن و کارکردهای معنوی را فرهنگ گفته‌اند (جان احمدی، ۱۳۹۶: ۴۴). فرهنگ بعد نرم‌افزاری و تمدن بعد سخت‌افزاری مدنیت است. یک دیدگاه کل نگر دیگر می‌گوید: تمدن مجموعه بزرگی از نظام‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی، تربیتی و عبادی است که از نظر جغرافیایی واحد کلانی را در بر می‌گیرد. (آشوری، ۱۳۸۹: ۱۲۸)

اقداماتی که بتواند زیر ساخت‌های مهم و اصلی را برای روند پیشرفت تمدنی یک ملت در حوزه‌ی نرم-افزاری و در حوزه سخت‌افزاری ایجاد کند، تمدن‌سازی گویند. همچنین تمدن‌سازی برنامه‌های راهبردی برای بنیان نظام سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای مدنیت محسوب می‌شود که در این راستا ایجاد نظام اجتماعی و تعیین الگوی تنظیم روابط میان نهادهای گوناگون و افراد جامعه بر مبنای راهبردهای مطلوب مبتنی بر هستی‌شناسی و جهان‌بینی اسلامی است. (منتظرالقائم، ۱۳۹۴: ۱۷۲)

مفهوم فرهنگ یک مفهوم چند بعدی است که طی تغییرات زمان اصول و معیارهای بنیادین آن دچار تغییر نمی‌شود. فرهنگ به منزله هوش، حافظه و پذیرش جامعه و افراد و نیز واسط بین گرایش‌های اجتماعی و دانش اجتماعی است. (رضایی، ۱۳۸۷: ۹۰) عنایت و توجه به فرهنگ از آن رو اهمیت دارد که عامل هویت بخش انسان‌ها و جوامع است. بدین سبب فرهنگ نه ثابت، بلکه جاری و در حال شدن است. پس می‌توان فرهنگ را به گونه‌ای متناسب با شرایط و ضروریات، تغییر و توسعه داد و متحول کرد. بدیهی است که می‌توان بر فرهنگ مدیریت کرد. اما تمام این موارد موقوف به شناخت صحیح ارکان، ابعاد، جایگاه، میزان اثرپذیری و اثرگذاری آن بر دیگر عوامل جهان کنونی است که آهنگ پیوستگی و اتحاد دارد. (رضایی، ۱۳۸۷: ۹۱)

بر این اساس نیز نظام‌سازی به معنای بنیان نظام اجتماعی و تعیین الگوی تنظیم روابط میان نهادهای گوناگون و افراد جامعه بر مبنای راهبردهای مطلوب است. نظام‌سازی در ابعاد گوناگون سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی منجر به طی مسیر تمدن‌سازی خواهد شد. در این راستا با نهادسازی فرهنگی است که نظام تمدنی صحیح شکل و قوام می‌گیرد. نهاد سازی فرهنگی عبارت است از مجموعه‌ای از عناصر فرهنگی با ارتباطات معین که در تعادلی پویا و اثربخش برحسب راهبردهای مطلوب فرهنگی سازمان یافته و تحت مدیریت واحد راهبری گردند که با ایجاد راهبردهایی می‌توان همبستگی اجتماعی به وجود آورد. (منتظرالقائم، ۱۳۹۴: ۱۸۱) این پژوهش بر اساس تعریف ذکر شده و

با مطالعه آثار استاد مطهری برخی از این راهبردهای نظام سازی فرهنگی در نسبت با فرهنگ و تمدن اسلامی را از دیدگاه استاد مطهری را استخراج کرده است.

طرح مساله تمدن سازی اسلامی دارای مراحل گوناگون و تصویری از یک پازل و مجموعه منسجم در قالب چهار نظام سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است تا ظرفیت‌ها و زمینه‌های تمدن نوین اسلامی فراهم گردد. استاد مطهری معتقد است استاد مطهری تمدن سازی و ایجاد یک نهضت اجتماعی اسلامی را از مسیر چهار نظام سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ممکن می‌داند. این فرهنگ غنی اسلامی است که می‌تواند و باید پشتوانه نهضت واقع شود. علمای اسلامی متخصص در این فرهنگ عظیم، آگاه به زمان هستند که می‌توانند و باید نهضت را رهبری کنند (مطهری، ۱۳۷۲: ۷۵).

نظرات استاد مطهری در حوزه فرهنگی در شماری از مطالعات مورد بررسی قرار گرفته است. الهی تبار (۱۳۹۱) در کتاب «علل انحطاط مسلمین از دیدگاه استاد شهید مطهری و دکتر شریعتی» سعی کرده است که با محوریت قرار دادن انحطاط تمدن اسلامی از منظر دو شخص، اشتراکات و افتراقات دیدگاه آن دو اندیشمند را مورد واکاوی قرار دهد. جمشیدی و زارعی (۱۳۹۱) در مقاله «تحلیل فرهنگی انحطاط تمدنی مسلمانان در اندیشه استاد مطهری» به مواردی همچون تأثیر تخریبی سه عامل تحریف معارف اسلامی و فرقه سازی از سوی غیر مسلمانان، حملات نظامی به قلمرو اسلامی و استعمارگری غرب مدرن اشاره نموده‌اند. به علاوه طیبی (۱۳۹۴) در مقاله «عوامل درونی عقب ماندگی و انحطاط تمدن اسلامی از منظر استاد مطهری» به تبیین و بررسی دیدگاه‌های استاد مطهری در باب عوامل درونی ضعف، عقب ماندگی و انحطاط تمدن اسلامی پرداخته است. شایان توجه است مقاله‌ای که به بررسی اندیشه استاد مطهری در راستای تمدن سازی اسلامی و نسبت آن با نظام سازی فرهنگی پرداخته باشد، به دست نیامد.

این پژوهش تلاش دارد دیدگاه‌های تمدن سازی اسلامی استاد مطهری با تأکید بر نظام سازی فرهنگی را تبیین نماید. دلیل انتخاب این متفکر بزرگ و ارائه اندیشه‌های وی از این روست که اندیشه استاد مطهری همواره در عرصه فکری ایران معاصر و در جهان اسلام مطرح بوده است. طرح اندیشه‌های تمدن ساز از جمله پژوهش‌های کاربردی مطرح می‌باشد. استاد مرتضی مطهری نیز به عنوان یک اندیشمند متفکر و متشجع در پی ارائه راه حل برای سامان دهی تمدنی جوامع اسلامی و تبیین عقب ماندگی مسلمین بود. از

دیدگاه استاد مطهری نظام سازی فرهنگی مستلزم ایجاد مؤلفه‌های متعددی می‌باشد. مؤلفه‌های نظام سازی فرهنگی در ذیل به تفصیل توضیح داده شده‌اند:

رویکرد فرهنگی استاد مطهری

به نظر استاد مطهری برای روشنفکران مسلمان در زمان ما که از نظر کیفیت زبده‌ترین طبقات اجتماعی می‌باشند و از نظر کمیت قابل توجهی هستند، مهم‌ترین مسئله اجتماعی اسلام و مقتضیات زمان است. دو ضرورت فوری، مسئولیتی سنگین و رسالتی دشوار بر دوش این طبقه می‌گذارد: یکی ضرورت شناخت صحیح اسلام واقعی به عنوان یک فلسفه اجتماعی و یک ایدئولوژی الهی و یک دستگاه سازنده فکری و اعتقادی همه‌جانبه و سعادت بخش و دیگر ضرورت شناخت شرایط و مقتضیات زمان و تفکیک واقعیات ناشی از تکامل علم و صنعت از پدیده‌های انحرافی و عوامل فساد و سقوط. (مطهری، ۱۳۸۷:

(۱۱)

به نظر استاد ما باید از طرفی اسلام را به عنوان یک راهنمای سفر و یک لنگر محکم و نگهدارنده از غرق شدن در جزر و مدها و هم شرایط خاص زمان را به عنوان مناطق و منازل بین راه که باید مرتباً به آنها رسید و گذشت کاملاً بشناسیم تا بتوانیم در اقیانوس متلاطم زندگی به سرمنزل مقصود برسیم. ایشان معتقد است قدرت شگرف جوابگوی فقه اسلامی به مسائل جدید هر دوره‌ای نکته‌ای است که اعجاب جهانیان را برانگیخته است. تنها در زمان ما مسائل جدید رخ ننموده است، آغاز طلوع اسلام تا قرن هفتم و هشتم که تمدن اسلامی در حال توسعه بود و هر روز مسائل جدید خلق می‌کرد، فقه اسلامی بدون استمداد از هیچ منبع دیگر وظیفه خود را انجام داده است. در قرون اخیر بی‌توجهی مسئولین امور اسلامی از یک طرف و دهشت زدگی در مقابل غرب از طرف دیگر، موجب شد که این توهم پیش آید که قوانین اسلامی برای عصر جدید نارسا است. (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۱-۱۴) اسلام راه است نه منزل و توقفگاه. خود اسلام از خود به عنوان راه (صراط مستقیم) یاد می‌کند. اشتباه است که بگوییم چون منزل‌ها عوض شود راه هم عوض شود. در هر حرکت منظم دو عنصر اساسی وجود دارد، عنصر تغییر مواضع که متوالی صورت می‌گیرد و عنصر ثبات راه و مدار حرکت. به نظر ایشان اگر بخواهیم درباره اسلام و مقتضیات زمان قضاوت کنیم تنها راه این است که با معارف اسلامی آشنا شویم و روح قوانین اسلامی را درک کنیم و سیستم خاص قانونگذاری اسلامی را بشناسیم تا روشن شود که آیا اسلام رنگ یک قرن معین و عصر مشخص دارد و یا از مافوق قرون و اعصار وظیفه رهبری و هدایت و سوق دادن

بشر را به سوی تکامل برعهده گرفته است. (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۴-۱۵) بنابراین ایشان همواره در پی ارائه راهکارهایی جهت بهبود جامعه و پیشنهاد رهنمون‌های اسلامی بر طبق شرایط روز زمانه بوده است.

۱- نظام سازی فرهنگی از دیدگاه استاد مطهری

به نظر استاد مطهری فرهنگ عبارت است از «یک نوع فعل و انفعالاتی که مبتنی بر روان انسان صورت می‌گیرد. از نظر روان ما ترکیب واقعی است. (مطهری، ۱۳۶۷، ج ۴: ۴۵) فرهنگ یعنی روح جامعه. (مطهری، ۱۳۶۴، ج ۱: ۴۵) آنچه که انسان را به جهان آگاه می‌کند... و جهان را نسبت به انسان می‌شناساند». (مطهری، ۱۳۷۰: ۴۲)

۱-۲- منشأ فرهنگ و تمدن

استاد مطهری معتقدند تفاوت اساسی انسان با دیگر جانداران که ملاک «انسانیت» اوست و منشأ چیزی به نام فرهنگ و تمدن انسانی شده است، بینش‌ها و گرایشها است. جانداران عموماً جهان خارج را درک می‌کنند و به آن آگاه هستند و در پرتو آن آگاهی‌ها و شناخت‌ها برای رسیدن به خواسته‌های خود تلاش می‌کند. انسان نیز مانند جانداران دیگر یک سلسله خواسته‌ها و مطلوب‌ها دارد و در پرتو آگاهی‌ها و شناخت‌های خود برای رسیدن به آن خواسته‌ها و مطلوب‌ها در تلاش است. تفاوت انسان با سایر جانداران در شعاع و وسعت و گستردگی آگاهی‌ها و شناخت‌ها و از نظر تعالی سطح خواسته‌ها و مطلوب‌هاست. این چیزی است که به انسان مزیت و تعالی بخشیده و او را از سایر جانداران جدا ساخته است. (مطهری، ۱۳۹۰ الف: ۸)

۱-۳- چگونگی به وجود آمدن فرهنگ و تمدن

به نظر استاد مطهری اگر بیان و قلم نبود، انسان تا قیامت همان وحشی اولیه بود و غیر ممکن بود فرهنگ و تمدن به وجود بیاید، چون فرهنگ و تمدن محصول تجارب بشر است. با بیان انسان آنچه را که تجربه می‌کند و می‌آموزد، به هم زمان‌های خودش منتقل می‌کند. (مطهری، ۱۳۸۹ الف: ۱۹) از این فقره روشن می‌گردد اگر زبان و بیان هویت اصلی و فرهنگ انسان را تشکیل می‌دهد. به عبارتی اگر سخن و نوشتن نبود، تمدن و فرهنگ شکل نمی‌گرفت؛ یعنی اساساً انسانیتی نبود. روح تعلیمات اسلامی و قرآنی علم است و دانستن و فهم و چیزی که امروزه به آن فرهنگ می‌گویند. اسلام و قرآن دین علم و فرهنگ است. بدین سبب قرآن در جاهای دیگر این مسئله یا استعداد سخن گفتن را با اهمیت فراوان بیان می‌کند. (مطهری، ۱۳۸۹ ج: ۲۳۹ و ۲۴۱-۲۴۲) مسئله شناختن انسان به صورت اجتماعی به نتیجه

می‌رسد و به صورت انفرادی امکان ندارد. یعنی علم محصول همکاری انسانهاست و به صورت انفرادی امکان پذیر نیست. این همکاری که منجر به پیدایش علم و فرهنگ و تمدن شده معلول دو چیز است: زبان (مکالمه) و قلم. (مطهری، ۱۳۸۹: ۴۳) بدین سان از دیدگاه استاد مطهری روشن می‌گردد که زبان و اندیشه وجه تمایز انسان با دیگر جانوران است. نه تنها زبان ابزار انتقال اندیشه است بلکه بدون زبان نمی‌توان اندیشید. زبان محور اصلی رخدادهای ارتباطات فرهنگی و اجتماعی است.

۱-۴- چگونگی مقابله با تهاجم فرهنگی

استاد معتقد است با شناخت آسیب‌های فرهنگی و عوامل مؤثر در این مسیر، برای ایجاد تحول فرهنگی، فعالیت‌های متعدد فرهنگی ضروری است. استاد برای مقابله با تهاجم فرهنگی دوران خود پیشنهاد می‌کند: (نگارش، باقی نصرآبادی، ۱۳۸۶: ۱۰۴-۱۰۹ و ۱۲۱) ۱) عرضه درست مکتب الهی، دین الهی را به طور معقول و علمی و استدلالی صحیح عرضه بداریم. ۲) ارتباط بین مسائل الهی با مسائل اجتماعی و سیاسی مشخص شود. ۳) برخورد منطقی با شبهات: باید با هرج و مرج تبلیغی و از اظهار نظرهای غیرمتخصصانه پرهیز شود. ۴) به مسأله محیط مساعد اخلاقی و اجتماعی که هم آهنگ با مفاهیم متعالی معنوی باشد باید کمال اهمیت داده شود. ۵) از مقام موارد ضروری‌تر اینکه در عصر ما باید علاقه‌مندان و آشنایان به مفاهیم واقعی اسلامی سعی کنند بار دیگر حماسه را که رکنی از مفاهیم اسلامی بود بدان‌ها برگردانند. ۶) ایجاد زمینه برای رشد مفاهیم عالی معنوی فوق العاده ضروری است. (مطهری، ۱۳۶۱: ۱۹۰-۱۹۳)

یکی از آسیب‌های کشورهای استعمارگر بر شکوه کشورهای اسلامی وارد کردند بریدن و پاره کردن بندهای وابستگی فرهنگی یک ملت به میراث‌های فرهنگی خویش است. راه بیداری، آشنایی با تاریخ و فرهنگ و ایدئولوژی خودمان است. نقش و آگاهی و بازگشت به خویش، و احساس کرامت ذاتی و دریافت خود و فلسفه خود از سوی مسلمانان است که موجب بیداری می‌گردد. (مطهری، ۱۳۶۱: ۹۳)

بدین سان استاد مطهری بر مهندسی و استقلال فرهنگی و مبارزه با نمادها و عناصر فرهنگی بیگانه تأکید دارد و تنها راه ساخت نظام فرهنگی را اتکا به ساختارهای فرهنگ دینی و فرهنگ و هویت خودی دانسته است.

۱-۴- مهندسی فرهنگی

استاد برای مهندسی فرهنگی مورد نظر خویش سه مرحله تخلیه فرهنگی، تحلیل فرهنگی، تثبیت فرهنگی قائل هستند. مهندسی فرهنگی را با سه حرکت، تخلیه، تحلیل و تثبیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌داند. از

دیدگاه ایشان مهندسی فرهنگی در یک جامعه اسلامی با تخلیه برخی افکار و اندیشه‌ها از یک سو، تخلیه مردم به برخی دیگر از افکار، احساسات و اندیشه‌ها از سوی دیگر و تثبیت این افکار و اندیشه‌ها و اعمال در آنها از جانب سوم تحقق می‌یابد. (شعبانی سارویی، ۱۳۹۰: ۵۵-۵۶)

۱-۵- نقل و انتقال فرهنگ و تمدن

به نظر استاد فرهنگ و تمدن بشری در یک جا ثابت نیست، نقل و انتقال دارد. تاریخ بیان می‌کند که در طول این چند هزار سالی که بشر موفق به تشکیل فرهنگ و تمدن شده است، در هر دوره یک گروه از بشر، یک نژاد یا یک ملت مشعل دار فرهنگ و تمدن بوده و به مرور این فرهنگ و تمدن از آنجا غروب کرده و در جای دیگر طلوع کرده است. بنابراین اقوام بشری از نظر فرهنگ و تمدن، اعتلا و انحطاط دارند. (مطهری، ۱۳۸۹: ۲۷۰) بدین سان برای استاد مطهری روشن است که تمدن‌ها در مناطق گوناگون جابجایی دارند و با مهندسی فرهنگی می‌توان شادابی و تداوم و استحکام نظام فرهنگی را تقویت کرد.

۱-۶- مرگ فرهنگ و تمدن

امروزه درباره مرگ تمدن و فرهنگ‌ها چنین می‌گویند، چون یک فرهنگ و تمدن برای مردم، روح آن مردم را تشکیل می‌دهد اگر لحظه‌ای برسد که عمر آن فرهنگ به پایان رسیده باشد و فرهنگ زنده و قوی‌تری به او هجوم بیاورد و فرهنگ قبلی را ریشه کن کند، روح آن ملت را از آنها گرفته است. بدین ترتیب وقتی روح آن ملت را از آنها گرفت، آن ملت از نظر روح اجتماعی دیگر مرده‌اند. به نظر استاد اینکه فرهنگ و ایدئولوژی ما در مقابل فرهنگ غرب و فرهنگ‌های بیگانه مقاومت کرده، این به معنای این است که روح جمعی ما زنده است و مقاومت می‌کند. (مطهری، ۱۳۹۷: ۹۴-۹۵)

آیا همه فرهنگ‌ها محکوم زوال‌اند؟ شهید مطهری در جواب این سؤال می‌گوید، اینکه همه ملت‌ها محکوم به مردن باشند، غیر از این است که همه فرهنگ‌ها محکوم به مردن‌اند. لذا برخی مکتبها می‌گویند همه فرهنگ‌ها محکوم به مردن هستند، چراکه فرهنگ را یک امر روبنایی و تابع نظامات اقتصادی می‌دانند. و فرهنگ وابسته به هر نظام اقتصادی را جبراً محکوم به زوال می‌دانند. لکن اگر برای فرهنگ و انسانیت اصالت قائل باشد، این امکان را قبول دارد که یک فرهنگ جاودانه باشد. فرهنگ استعداد جاودانه ماندن را دارد، ممکن است مردمی که آن فرهنگ را دارند نتوانند آن فرهنگ را حفظ کنند، این فرهنگ از اینجا غروب و در جای دیگر طلوع کند، پس خود آن فرهنگ میرا نیست. (مطهری، ۱۳۹۷:

۱۷۰-۱۰۹) دلیل عدم میرایی فرهنگ از دیدگاه استاد مطهری آنست که فرهنگ ناشی از روح عقیده و ایمان و زبان و هویت می‌باشد.

۱-۸- اصالت فرهنگ و تمدن

استاد مطهری معتقد است برای اثبات اصالت یک فرهنگ و تمدن، ضرورتی ندارد آن فرهنگ از فرهنگ-ها و تمدن‌های دیگر بهره نگرفته باشد، بلکه چنین امری امکان پذیر نیست. هیچ فرهنگی در جهان نداریم که از فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر بهره نگرفته باشد، لذا بحث در کیفیت بهره‌گیری و استفاده است. بهره‌گیری از فرهنگ و تمدن به دو صورت است: یک نوع بهره‌گیری آن است که فرهنگ و تمدن دیگر را بدون هیچ تصرفی در قلمرو خودش قرار دهد. اما نوع دیگر بدین گونه است که از فرهنگ و تمدن دیگری تغذی کند، یعنی مانند یک موجود زنده آنها را در خود جذب و هضم کند و موجود تازه به وجود آورد. فرهنگ اسلامی از نوع دوم است، مانند یک سلول زنده رشد کرد و فرهنگ‌های دیگر را در خود جذب کرد و به صورت موجودی جدید بروز کرد. و به اعتراف محققان تاریخ فرهنگ و تمدن، تمدن اسلامی در ردیف بزرگترین فرهنگ و تمدن‌های بشری بوده است. (مطهری، ۱۳۹۰ ب: ۱۷-۱۸)

۲- فرهنگ و اسلام

دین و فرهنگ همواره همواره یک ارتباط ناگسستنی و تنگاتنگ دارند. به عبارتی می‌توان گفت دین در تمدن و فرهنگ انسان نقش موثری ایفا می‌کند.

۱-۲- رابطه دین و فرهنگ

به نظر استاد در طول تاریخ بشر، راستی و درستی و نیکوکاری و سایر صفات حسنه اخلاقی در میان مردم دیده می‌شود که نتیجه مستقیم یا غیر مستقیم ادیان آسمانی و تعلیمات پیغمبران الهی بوده است. بدین ترتیب سهم دین و مذهب در بهبود و رفاه و سعادت بشر بیش از هرچیز دیگری بوده است. دین و مذهب مانند علم و فرهنگ جز مایحتاج زندگی بشر است. همانطور که نداشتن علم و فرهنگ سبب بدبختی فرد و ویرانی اجتماع می‌شود، نداشتن دین و مذهب به نوبه خود سبب بدبختی فرد و ویرانی اجتماع می‌شود. همان گونه که ممکن است یک ملت از علم و فرهنگ بی بهره بمانند لکن ممکن نیست علم و فرهنگ از جامعه رخت برنبدند، ممکن است افرادی بی دین زندگی کنند و یا ملتی به علل خاصی از موهبت دین بی بهره بمانند، اما ممکن نیست دین و مذهب به طور کلی از جامعه بشر رخت برنبدند؛

زیرا هر چیزی که برای بشر مفید و ضروری باشد و چیز دیگر نتواند جای او را بگیرد، طبعاً ثابت می ماند و هیچ گاه منسوخ نمی شود. (مطهری، ۱۳۹۰ ج: ۱۵)

۲-۲- تعلیم تربیت در اسلام

تعلیم و تربیت، بحث ساختن انسانهاست. یک مکتب دارای هدفهای مشخص است و مقررات همه جانبه ای دارد. این گونه می توان گفت مگر می شود سیستم حقوقی، سیستم اقتصادی و سیستم سیاسی داشته باشد؛ اما یک سیستم خاص آموزشی نداشته باشد. به نظر استاد مطهری در اسلام برای تربیت هم اصالت به فرد داده می شود و هم جامعه. پس بالاخره طرحی و برنامه ای برای ساختن فرد وجود دارد، اعم از اینکه فرد را باید ساخت برای طرح هایی که برای اجتماع و جامعه است یا فرد را باید ساخت از این نظر که هدف، ساختن افراد است، و یا از یک نظر جمعی فرد باید ساخته بشود، هم از آن جهت که باید مقدمه ای و ابزاری برای ساختن اجتماع باشد و هم از نظر اینکه خودش هدف است. (مطهری، ۱۳۷۵ ب: ۱۷)

به نظر استاد در اسلام هم دعوت به علم شده و هم به تعقل. فرق این دو پدیده این است که علم به معنی آموزش و فراگیری است لکن تنها فراگیری کافی نیست و آنچه در این زمینه ضرورت دارد، مسئله تفکر کردن در اموری است که فراگرفته اند. (مطهری، ۱۳۹۰ د: ۲۹)

۲-۲-۱- راهکارهای تربیت عقلانی

از اصول فرهنگ، تربیت عقلانی است که که دارای راهکارهای مختلف است که در ذیل به آنها اشاره می شود:

۲-۲-۱-۱- لزوم توأم بودن عقل و علم: بدین معنا که اگر انسان تفکر کند ولی اطلاعاتش ضعیف باشد، همچون کارخانه ای است که ماده خام ندارد یا کم است، بنابراین نمی تواند محصول تولید بکند یا محصولاتی کم خواهد بود. محصول بستگی دارد به اینکه ماده خام برسد. اگر کارخانه ماده خام زیاد داشته باشد ولی کار نکند، باز فلج است و محصولی نخواهد داشت. (مطهری، ۱۳۹۰ ه: ۳۵)

۲-۲-۱-۲- آزاد کردن عقل از عادات اجتماعی: از موضوعات دیگری است که استاد مطهری بر آن تاکید نموده است. به عبارتی «آزاد کردن عقل از حکومت تلقینات محیط و عرف و عادات و نفوذ سنت-ها و عاداتهای اجتماعی» (مطهری، ۱۳۹۰ ه: ۳۵-۳۶)

۲-۲-۱-۳- آخر بینی: یکی دیگر از خواص عقل که تربیت عقل افراد باید بر این اساس باشد، مسئله آینده را مدنظر قرار دادن است. بر این مطلب در تربیت های اسلامی بسیار تاکید می شود که خود را نباید

در زمان حال حبس کرد و آینده را نیز مورد توجه قرار داد و عواقب و لوازم و نتایج نهایی آن را مد نظر قرار داد. (مطهری، ۱۳۹۰ و: ۳۴)

۲-۲-۱-۴- تأثیر ناپذیری از قضاوت دیگران: مسئله دیگری است که مربوط به تربیت عقلانی است. به عبارتی قضاوت‌های مردم درباره انسان نباید برای او ملاک باشد. به تعبیر استاد اینها یک بیماری عمومی است که اغلب مردم کم و بیش به آن گرفتار هستند. (مطهری، ۱۳۹۰ و: ۳۸)

۲-۲-۲- دوره شکوفایی روح

به نظر استاد شهید اساس تربیت انسان باید بر شکوفا کردن روح باشد. ایشان معتقدند دوره‌های مختلف عمر از این نظر تفاوت دارد. برخی دوره‌ها تناسب و موقعیت مناسب‌تری برای شکوفا شدن استعدادها دارد. این دوره بعد از هفت سالگی تا حدود سی سالگی است که دوره مناسبی برای شکوفا شدن روح از نظر انواع استعدادها همچون استعداد علمی، استعداد دینی و حتی استعداد اخلاقی است. بدین ترتیب بهترین دوران همان دوران محصول بودن است. (مطهری، ۱۳۹۰ ز: ۴۷-۴۸)

۲-۲-۳- ترس، عامل جلوگیری از طغیان

استاد مطهری بر این نظر است که از ترس و ارعاب نباید برای رشد و پرورش استعداد نمود. بلکه باید از آن برای بازداشتن روح کودک و بزرگسال از برخی طغیان‌ها در اجتماع استفاده نمود. به عبارتی «عامل ترس عامل فرونشاندن است؛ عامل رشد دادن و پرورش استعدادهای عالی نیست ولی عامل جلوگیری از رشد استعدادهای پست و پایین و عامل جلوگیری از طغیان‌ها هست» (مطهری، ۱۳۹۰ ز: ۴۶)

نتیجه‌گیری

استاد شهید مطهری به عنوان یکی از اندیشمندان و حکمای شیعی در حوزه اندیشه اصلاح‌گری و احیای اسلام و تمدن‌سازی اسلامی نقش قابل توجهی در ایران معاصر داشته است. استاد یک اندیشمند و مصلح نواندیش دینی متشجع تمدن‌اندیش بود و لابلای آثار وی می‌توان اندیشه تمدن‌سازی در هر چهار حوزه نظام سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را به تبیین کشید. از دیدگاه او هر نهضت اجتماعی در خطر رو یا رویی با آفاتى همچون: نفوذ اندیشه بیگانه، تجددگرایی افراطی، تداوم نهضت، نفوذ فرصت‌طلبان، ایهام در طرح‌های آینده و تغییر جهت دادن اندیشه می‌باشد. استاد مطهری در حوزه‌ی نظام سیاسی نظرات جامعی درباره حکومت و سیاست، شرایط رهبری و حاکم، شکل حکومت، آزادی اندیشه و احیای تفکر اسلامی دارد. شهید مطهری فرهنگ و پیشینه تمدن اسلامی را میراثی غنی برای

بیداری و زمینه سازی بلوغ تمدنی دانسته است. وی اتحاد و وحدت را عامل همبستگی و تداوم حیات امت در حوزه بلوغ تمدنی و جامعه سازی و تمدن سازی و نظام سازی فرهنگی دانسته و به راه کارهای مهندسی فرهنگی شامل سه مرحله تخلیه فرهنگی، تثبیت فرهنگی و تعلیم و تربیت و پرورش جسمانی و عقلانی، علوم واجب تحصیل، همراهی علم و دین و رجوع به گنجینه آرمانی فرهنگی و راهکارهای اصلاح اخلاقی و برون رفت از آسیب‌های اخلاقی و تعصب و خرافه زدایی را بیان کرده است. از دیدگاه استاد مطهری زبان و اندیشه وجه تمایز انسان با دیگر جانوران است و نه تنها زبان ابزار انتقال اندیشه است بلکه بدون زبان نمی‌توان اندیشید. زبان محور اصلی رخدادهای ارتباطات فرهنگی و اجتماعی جوامع می‌باشد و در نظام سازی فرهنگی اهمیت گسترده‌ای دارد.

منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۸۹). تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، تهران: آگه.
- الهی تبار، علی (۱۳۹۱). علل انحطاط مسلمین از دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری و دکتر شریعتی، قم: دفتر نشر معارف.
- باقی نصرآبادی، علی، نگارش، حمید (۱۳۸۶). رمز موفقیت استاد مطهری، قم: امام عصر.
- جان احمدی، فاطمه (۱۳۹۶). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم: دفتر نشر معارف، چ ۴۴.
- رضایی، عبدالعلی (۱۳۸۷). «راهبردهایی برای تدوین الگوی مهندسی فرهنگ»، نامه دولت اسلامی، س ۱، ش ۲.
- سید رضی (۱۳۷۹). نهج البلاغه، تصحیح و ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات مشرقین.
- شعبانی سارویی، رمضان (۱۳۹۰). اندیشه مطهر (نگاهی به دیدگاه‌های فرهنگی، سیاسی، مدیریتی، آموزشی و پژوهشی علامه شهید مرتضی مطهری)، قم: انتشارات اعتدال.
- مطهری، مرتضی (بی تا). آشنایی با علوم اسلامی، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۲). عدل الهی، تهران: بی نا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۱). علل گرایش به مادیگری، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۴). فلسفه تاریخ، ج ۱، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۷). شرح مبسوط منظومه، ج ۴، بی جا: حکمت.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰). تکامل اجتماعی، تهران: انتشارات صدرا.

- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). تعلیم و تربیت در اسلام، قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). علل گرایش به مادیگری، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰). پانزده گفتار، بی جا: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). اسلام و مقتضیات زمان، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹ الف). آشنایی با قرآن، ج ۶-۸-۱۴، قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹ ب). آینده انقلاب اسلامی ایران، قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹ ج). پانزده گفتار، قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹ د). یادداشت‌ها، ج ۴، قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰ الف). آشنایی با قرآن، ج ۷، قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰ ب). پنج مقاله، قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰ ج). کلیات علوم اسلامی (منطق-فلسفه)، ج ۱، قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰ د). تعلیم و تربیت در اسلام، قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰ هـ). انسان و سرنوشت (مقدمه: عظمت و انحطاط مسلمین)، قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰ و). خدمات متقابل اسلام و ایران، قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰ ز). فلسفه اخلاق، قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۷). انقلاب اسلامی از دیدگاه فلسفه تاریخ، قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۸). ده گفتار، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۱). پیرامون انقلاب اسلامی قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- منتظر القائم، اصغر (۱۳۹۴). تمدن سازی نبوی و علوی، اصفهان: نشر مرغ سلیمان.